

مرگ تدریجی صنایع کارگاهی ایران

خلاصه مقاله

سوق دادن سرمایه‌ها به سوی بخشهای مختلف صنعت به گونه‌ای که منجر به رشد اقتصاد، افزایش تولید و در نهایت تغییر نوع کالاهای صادراتی کشور از مواد خام به فرآورده‌های صنعتی شود، نیاز به آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و ایجاد شرایط ویژه‌ای دارد که توجه به آن بسیار با اهمیت است. اهمیت این موضوع از یک سو با توجه به قطع زنجیره‌های وابستگی اقتصادی و رسیدن به خودکفایی، و از سوی دیگر رشد بی‌رویه واردات کشور (ناهمانگی در معادله صادرات و واردات) بیشتر احساس می‌شود.

نوشته مجید میرزائی

بر صنعت و اقتصاد کشور ما در مرحله کنونی شرایط ویژه‌ای حاکم است که در صورت عدم توجه به آنها، امکان دارد در بخشی از صنایع و اقتصاد کشور با مشکلات فلج‌کننده‌ای مواجه شویم. پیش از ورود به موضوع اصلی بحث، باید چند نکته را به خاطر سپرد:

۱- الگوهای اقتصادی معمول دنیا در همه کشورها با پاسخ یکسانی روبرو نمی‌شوند، عوامل تأثیرگذارنده بر هر الگوی اقتصادی باید متناسب با زیرساختهای اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژی حاکم بر نظام کشور به کار گیرنده آن باشد. نادیده گرفتن این اصول، سپردن اقتصاد کشور به یک کشتی بی‌سکان‌دار است؛ چنانکه هم اکنون تورم، کاهش مداوم ارزش پول، درآمد سرانه پایین و... از جمله موانع موجود بر سر راه پویائی اقتصاد ما است. آیا تحول در صنایع کشورمان نیاز به معجزه دارد؟

۲- مهمترین اهداف وزارتخانه‌های صنعتی در طول برنامه اول توسعه از این قرار بود: آزادسازی صنعت و تولید و کاهش دخالت دولت - تأمین منابع مورد نیاز تولید با روند نرخ افزایشی - ایجاد رقابت در عرضه و تقاضا - ترغیب و تشویق مردم و بخش غیردولتی به امر سرمایه‌گذاری صنعتی - اصلاح قانون مالیاتها - سودآور کردن صادرات - ارج نهادن به تولید صنعتی و توجه به جایگاه آن در توسعه اقتصادی کشور.

علیرغم پاره‌ای نتایج مثبت حاصل از اجرای این سیاستها باز هم مشکلات عدیده‌ای صنعت کشور را تهدید می‌کند که بخشی از آن به ساختار صنعتی کشور و بخش دیگر آن به سیاستها و مقررات جاری باز می‌گردد. چنانچه هنوز با عدم هماهنگی سیاستهای اقتصادی

حاکم بر صنعت - با اهداف برنامه پنجساله اول - در واگذاری بینگامهای اقتصادی و تولیدی به بخش خصوصی مواجهیم. این سیاستهای بازدارنده ناشی از عملکردهای اقتصادی دولت در سالهای جاری است مانند: عدم تخصیص ارز - عدم ارائه تسهیلات بانکی - واردات بدون قید و شرط کالاهای خارجی - افزایش مستمر نرخ خدمات دولتی همچون آب، برق و انرژی. ۳- اجرای هر پروژه‌ای در سطح کشور نیازمند سرمایه، نیروی انسانی و مدیریت است. اما در رأس این سه عامل مدیریت خودنمایی می‌کند. برآیندسازی نیروها و جهت‌دار کردن امکانات مالی، همه و همه به عهده مدیریت است. کشور ما از نظر امکانات صنعتی در بین کشورهای منطقه جایگاه خوبی دارد و حتی بعضی از واحدهای صنعتی ما قابل قیاس با واحدهای کشورهای صنعتی هستند. متأسفانه بزرگترین نقطه ضعف در صنعت کشور ما عدم بهره‌گیری صحیح و کامل از این امکانات بوده است، که این عدم توفیق نیز برمی‌گردد به ضعف مدیریت. نمونه‌های عملی و قابل توجه را نیز می‌توان مطرح کرد: کارخانه‌های اتوبوس‌سازی در کشور وجود دارد، اما اجازه خرید اتوبوسهای دست دوم از خارج داده می‌شود، یا با وجود توان صنعتی ساخت برجهای خنک‌کننده نیروگاهی در کشور قرارداد ساخت با شرکتهای خارجی منعقد می‌شود. به هر حال لازم است مدیریت را در منابع کشور تقویت کرد حال چه با دوره‌های مدیریت استراتژیک و یا پشتوانه‌های معنوی، البته همه اینها می‌بایستی پس از احراز صلاحیت یک مدیر انجام شود. ۴- در صنعت پارامترهایی نظیر

تولید، کیفیت تولید و اقتصادی بودن تولید، حائز اهمیت است. در این که اقتصاد در کشور حرکت شتابداری یافته است و زنجیره‌وار صنایع مهم کشور را به حرکت درآورده است، شکی نیست، اما دیدن ارقام افزایش تولید و درآمد فقط برای این بخش کافی نیست چرا که صنایع کوچک و کارگاهی ما در این میان شدیداً با بی‌مهری مواجه شده‌اند. عینک خوش‌بینی به چشم داشتن برای ارائه تحلیل در این مورد که رشد اقتصادی همه بخش‌های صنعتی را فراگرفته است نه تنها درست نیست بلکه با واقعیت حاکم بر این بخش همخوانی ندارد. اکنون چیزی که در کارگاههای کوچک مشهود است، پایین کشیده شدن کرکره‌های بسیاری از آنهاست که این تعطیلی، هم سطح اشتغال را کاهش داده و هم میزان تولید را پائین آورده است.

مرگ تدریجی صنایع کارگاهی را بدون تردید باید در سیاستهای کلان دولت در عدم پشتیبانی از این صنایع دید. از سوی دیگر صدور مجوز برای ورود کالاهای ساخت خارج بدون در نظر گرفتن توان تولید در داخل، و برداشتن مکانیزمهای مجوز عدم ساخت امر دیگری است که صنایع کوچک داخل را وادار به تعطیل فعالیتهاشان کرده است. هم چنین عدم برقراری تعرفه بر کالاهای وارداتی توان رقابت محصولات تولید داخل را با محصولات مشابه خارجی به طور کلی از میان برده است.

مسئلاً دولت و مجلس باید نگرش خود را به این صنایع با سیاستهای علمی تغییر دهند. در شرایط کنونی که جامعه بسیاری از هزینه‌های سربار دولت را در چهارچوب عوارض و مالیات و افزایش هزینه‌های خدماتی پرداخت می‌کند از مسئولین تصمیم‌گیر این انتظار را دارد که با وضع تعرفه‌های لازم بر کالاهای وارداتی که تولید مشابه آن در داخل کشور وجود دارد، و همچنین بخشودگی از عوارض و مالیات و تثبیت سقف بیمه در سطحی معقول و متناسب با سطح درآمد، باقیمانده این صنایع کوچک را که به حق نه تنها باری بر دوش دولت نیستند و نبودند بلکه در بسیاری مواقع یار دولت در حل مشکلات و در ایجاد

اشتغال و تربیت نیروی انسانی ما هر نیز هستند، از رکود خارج سازند.

صنایع کشور آن چنان که بود و هست:

صنایع کشور در دوره تحمل مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی، کاهش مستمر ارزش افزوده را تجربه کرد و کار به جایی رسید که نیمی از ظرفیتهای تولیدی آنها به کار گرفته نمی‌شد.

عدم حضور فرآورده‌های صنعتی ایران در عرصه رقابت بازارهای جهانی به علت پایین بودن توان رقابتی آنها، ترکیب نامناسب صدور مواد اولیه و مواد خام از نشانه‌های ضعف صنعت کشور و سطح پایین تکنولوژی صنایع (عمدتاً عوامل نرم‌افزاری همچون تخصص‌ها و مهارتها)، ضعف سازماندهی و مدیریت صنعتی و نداشتن اطلاعات فنی لازم و وابستگی صنایع به مواد اولیه و داده‌های واسطه‌ای صنعتی وارداتی از عمده‌ترین دلایل عدم توسعه صنعت کشور است. ما این مشکلات را در شرایطی تحمل می‌کنیم که فضای ملی کشور نه تنها فاقد پوشش حمایتی مناسب برای رفع نارسائیهات و مشکلات صنعت کشور می‌باشد بلکه حتی در مواردی به عنوان عامل باز دارنده در مسیر رشد و توسعه فعالیتهای صنعتی عمل کرده است.

علاوه بر اینها برای بخش خصوصی انگیزه مناسبی برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت وجود ندارد، و این نبود انگیزه بیشتر به علت پایین بودن سرعت گردش سرمایه و سوددهی آن در بخش صنعت و تولید در مقایسه با به کارگیری سرمایه در بخش تجارت، توزیع کالا، واسطه‌گری، عدم تدوین قوانین مناسب مالیاتی برای صاحبان واحدهای صنعتی، دست و پاگیری بودن مقررات صادرات و واردات و حقوق گمرکی و ضوابط مربوط به روابط کار صنعتی است. البته دولت به تازگی درصدد فراهم کردن شرایط لازم به منظور حمایت از واحدهای صنعتی برآمده است ولی این اقدامات کافی نیست و باید گامهای بلندتری در این مورد برداشته شود.

از سیاست نامناسب قیمت‌گذاری نیز می‌توان به عنوان یکی از مشکلات مهم در راه رسیدن به تعادل اقتصادی یاد کرد. باید گفت که بدون نظام مناسب قیمت‌گذاری، سیاست واگذاری

فقدان مدیریت، بزرگترین نقطه ضعف صنایع

شرکتهای دولتی به سرمایه گذاران و تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در بخش صنعتی کارساز نخواهد بود. در پیش گرفتن سیاستهای بازرگانی مناسب از دیگر شرایط توسعه صنعتی است. چنانچه برخی تجارت را نیروی محرکه توسعه صنعت تلقی می کنند و به این منظور ضروری است پیچیدگی های موجود در مقررات واردات و صادرات رفع و زمینه های مناسب برای صدور فرآورده های صنعتی کشور ایجاد شود.

محیط حمایتی در صنعت

ساختار تشکیلاتی اداری گسترده سیاستگذاری و هدایت صنعت کشور نیز به جای کمک به رشد و بالندگی صنعت به عنوان مانعی در

این راه عمل می کند. اکنون وزارتخانه های صنایع و معادن و فلزات کم و بیش مسئولیت نظارت و هدایت سرمایه گذاران بخش صنعتی را بر عهده دارند و امید می رود با ادغام منطقی و برنامه ریزی شده آنها مقررات مربوط به نظارت و هدایت جریان رشد صنایع کشور صحیح، سریع و هماهنگ اعمال شود. مشکلات و تکات یادشده همگی نشانگر این واقعیت هستند که محیط و شرایط گذشته و حال صنایع ایران حمایتی است. این حمایتها نه تنها از طریق تعرفه ها بلکه با قیمت گذاری و تخصیص ارز صورت می گرفت و در عین حال با کنترل و نظارت شدید دولت بر روی صنایع کشور همراه بود.

در کنار مسایل و مشکلات یاد شده در راه رشد صنایع ایران باید به عوامل بالقوه سودمندی که می توانند به عنوان نیروی

محرکه چرخ صنایع مورد استفاده قرار گیرند نیز اشاره کرد. وسعت و موفقیت جغرافیایی کشور و منابع طبیعی و معدنی سرشار آن، جمعیت رو به رشد کشور و در نتیجه به وجود آمدن بازار برای فرآورده های صنعتی، وجود نیروی کار نیمه ماهر، نیروی جوان و مستعد آموزش دیدن، وجود توانایی ها و تخصص هایی که در بخشهای غیر تخصصی به کار گرفته شده اند، وجود ظرفیتهای صنعتی استفاده نشده، وجود امکانات مناسب برای گسترش آموزشهای فنی حرفه ای، از جمله این عوامل است.

توجه به اولویتهای صنعتی، قیمت گذاری مناسب، به کارگیری مکانیزم عرضه و تقاضا به جای دخالتهای دست و پاگیر اداری و کاغذ

سنجیده برای صاحبان صنایع نقش به سزایی در رشد و توسعه صنعتی کشور دارد و در این راستا استفاده از تجربه کشورهای که از ابزار مالیاتی به طور مؤثر استفاده کرده اند حائز اهمیت است.

ضرورت برقراری سیاستهای حمایتی

همچنان که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مؤسسه های مالی همچون بانکهای توسعه صنعتی به منظور ایجاد و گسترش واحدهای صنعتی و جومی را با زمان بازپرداخت میان مدت و دراز مدت و کارمزد مناسب به سرمایه گذاران در امور صنعتی می پردازند می توان بانک و ویژه ای به این منظور تأسیس کرد یا برخی از بانکها را موظف به پرداختن



توجه به عامل نیروی انسانی به عنوان عوامل مهم در تولید از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این میان تدوین ضوابط مربوط به روابط کار نقش تعیین کننده ای در تأمین اشتغال و ایجاد شرایط مساوی و عادلانه برای مشاغل دارد و می توان آن را در زمره یکی از اصلی ترین نیازهای انسان و عامل افزایش تولید، رسیدن به خودکفایی اقتصادی و تشویق و ترغیب کارگران و سرمایه گذاران به افزایش تولید و بهبود کیفیت فرآورده های صنعتی دانست.

در پایان باید یادآور شد که رسیدن به رشد و توسعه صنعتی مستلزم توجه بیشتر به تولید کالاهای واسطه ای و سرمایه های، پایدارتر ساختن صنایع، در پیش گرفتن سیاستهایی به منظور رقابتی کردن ساختار آن، ادغام صنایع کوچک به منظور اقتصادی کردن تولید و کاهش هزینه آن، بهبود کیفیت کالاها و رعایت استانداردهای فنی، توسعه بازار سرمایه و در نهایت توسعه پژوهشهای علمی- فنی و آموزشهای فنی است.

همچنین با توجه به وابستگی شدید صنایع کشور به داده های اولیه و واسطه ای تولید و کالاهای سرمایه ای و وابستگی تقریباً کامل آنها به دانش فنی خارجی اهتمام در از بین بردن وابستگی ها و آثار منفی آنها باید عمیقاً مورد

توجه تعیین کنندگان خط مشی توسعه صنعتی کشور باشد. باید دانست که هر سیاستی در این مورد زمانی کارساز و مؤثر خواهد بود که حول محور تکنولوژی، توسعه و کاربرد آن در فرآیند تولید متمرکز شود. از این رو اگرچه در کوتاه مدت و میان مدت اولویتها باید متوجه استفاده مؤثرتر از ظرفیتهای صنعتی موجود باشد ولی در دراز مدت خود اتکایی در علوم و فنون به صورت کاملاً برنامه ریزی شده باید مد نظر تدوین کنندگان برنامه توسعه صنعتی کشور باشد.

بررسی چگونگی پیشرفت توسعه صنعتی در کشورهای توسعه یافته حاکی از آن است که نقش دولتها در رسیدن به این موفقیت بسیار با اهمیت بوده و کم و کیف آن با انتخاب سیاستهای اقتصادی صحیح و مناسب رابطه ای مستقیم داشته است.

به این امر خطیر نمود و توجه داشت که چنین سیاستی ابزار خوبی برای تحقق سیاست توسعه صنعتی است.

در کنار سیاستهای مناسب پولی و مالی در مورد صنایع کشور دولت باید تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی مطلوبی به منظور رشد صنایع کشور در نظر بگیرد. این دو عامل نقش مهمی در هدایت سرمایه ها به سوی صنایع دارند. در عین حال باید توجه داشت که استفاده بی حد و بی مورد از این اهرمها، ایستایی صنایع داخلی و ناتوانی آنها در رقابت با فرآورده های صنعتی خارجی را در پی خواهد داشت. باید دانست که، تعیین ارقام مربوط به تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی نیاز به دقتهای کارشناسانه دارد. تعیین قیمتها با توجه به تخصیص منابع کمیاب، کالاهای خدمات از طریق نوسانات آزاد قیمتها در چارچوب عرضه و تقاضا و

بازی های بی مورد، بالا بردن انگیزه سرمایه گذاری در صنایع بخش خصوصی و جلب سرمایه های خارجی به این بخش، ساده کردن مراحل اخذ مجوزهای صنعتی و تغییر نقش کنترل کننده دولت به نقش نظارت و هدایت از سیاستهای کنونی برنامه ریزان اقتصادی کشور است. نباید فراموش کرد که نقش هدایت و نظارت دولت بر صنایع کشور از اهمیت شایان توجهی برخوردار است و اگر سیاست هدایتی مناسب از سوی دولت اعمال نشود زمینه توسعه صنعتی در رشته های سطحی مسحوای تکنولوژیک ژرفی نخواهد داشت و تنها تغییر فیزیکی یا شیمیایی مبتنی بر تبدیل مواد اولیه به محصول صورت خواهد گرفت.

در میان موارد گفته شده در نظر گرفتن معافیتهای مالیاتی حساب شده و